



# نقض عهد و قطع رحم

آیه الله جوادی آملی

سوره بقره، آیه ۲۷، آمده است که فاسقین کسانی هستند که عهد خدا را پس از بستن میثاق، می شکنند و آنچه را خدا امر به وصلش کرده قطع می کنند و فساد در زمین می کنند، و آنان زیانکارانند.

«الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به أن یوصل و یفسدون فی الأرض، أولئک هم الخاسرون». این آیه، در مقام اول، با آیه سوره رعد، یک مطلب را می رساند ولی در مقام ثانی بحث، که عبارت از کفیر باشد، بین این آیه و آن آیه تفاوت است. اینجا می فرماید: «اولئک هم الخاسرون» و در آنجا می فرماید: «اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار».

در سوره نحل، این معنی با لسان دیگری ذکر شده است: می فرماید: «و اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها، وقد جعل الله علیکم کفیلًا». و چون عهدی با خدا بستید، به آن عهد وفادار باشید و سوگندهای خود را پس از تاکید و تثبیت، مشکند چرا که خدا را بر خود گواه گرفته اید.

بزرگان یک رساله می نوشتند به نام «رساله عهد» که تعهدات خود را در برابر خدای سبحان، بیان می کردند و بعضی از سنن را هم در رساله شان ذکر می کردند که غافل نشوند. وقتی عوامل غفلت از انسان گرفته شود، عهد و پیمانانش به یادش می آید: «دعوا الله مخلصین له الدین»!

پس آنجا که می فرماید: «ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها» بدین معنی است که اگر تعهد سپردی، یعنی طنابی یک طرفش بدست خدا است و طرف دیگرش بدست شما، اگر به آن اعتصام کردی و اگر آن را گزفتی، گرفتن طناب کافی نیست. گرفتن طناب برای این است که انسان به همراه آن، بالا برود. اعتصام به طناب یعنی باید طناب بگونه ای محکم باشد که عاصم انسان باشد و او را از افتادن در خطرها

«والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به أن یوصل و یفسدون فی الأرض، أولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار».

(سوره رعد آیه ۲۵)

آنان که عهد خدا را پس از پیمان بستن، می شکنند و آنچه را که خدای سبحان امر به وصل و پیوند کرده، قطع می نمایند، و باعث فساد در زمین اند، کفیر آنها لعن خدا و بدی دار آخرت است.

در این آیه بحث در دو مقام خواهد بود: ۱- مقام سیئات ۲- مقام کفیر آنها.

اولین سینه ای که در مقام سیئات بحث کرده است شکنستن پیمان الهی است. وقتی انسان ایمان آورد، و با لسان عقل و وحی، با خدای خود پیمان بست، و این پیمان را محکم نمود، به هیچ وجه نباید آن پیمان را بشکند.

بهر حال، خدای سبحان در یک موطن از انسانها تعهد گرفته یا از روی فطرت و یا از روی لسان عقل. می فرماید: «الم اعهد الیکم یا بنی آدم»! آیا با شما عهد نیستم ای فرزندان آدم.

و این تعهد گرفتن یا در آن موطن است که ذریه است «و اذا اخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم»<sup>۱</sup> و یا قبل از ولادت در این عالم است، یا به لسان عقل است و یا به لسان فطرت پس چه انسانی که اول ایمان بیاورد، سپس مرتد شود و چه انسانی که مرتد فطری باشد یا ملی، در هر دو حال یک موطنی داشته که در آن موطن، به خدای خود تعهد سپرده است، و اگر کاهلی کرد، این تعهد الهی را بعد از میثاق بستن، نقض کرده است.

## موارد نقض عهد در قرآن

خداوند در مورد نقض عهد، در چند جای قرآن تکیه کرده است. در



و فسادها محفوظ بدارد. این طناب، طنابی است محکم که یک طرفش در دست پندگان است و طرف دیگرش در اختیار قدیر محض است و پندگان باید این طناب را بگیرند و از این طبیعت بجهت که آسیب نبینند برای اینکه این دار دنیا جایی است که از هر طرفش بالاها فرا گرفته است. «دارالبلاء محفوظه»<sup>۵</sup>.

پس اگر کسی خواست معصوم بماند، باید این طناب را بگیرد که بالا برود، نه بگیرد و تماشا کند. اگر گفته شد «واعصموا بحبل الله»، این حبل شما را تا به لقاء الله می رساند. هر چه انسان این حبل را بگیرد و درباره او بیاندیشد، هم از نظر علم و معرفت جا دارد و هم از نظر عمل صالح. این را باید بگیرد و بالا برود که اعتصام بحبل الله محقق گردد. حال اگر این حبل را پس از اینکه اخذ کرد و معتصم به آن شد، دوباره پنبه کند، می شود مانند آن زن حمقاء و ابلهی که از صبح تا ظهر با سایر کارگران، نخها را می رشت و آن پنبه ها را به صورت رشته در می آورد، سپس رشته را پنبه می کرد، که این به عنوان یک مثل در حجاز معروف بود و قرآن به آن اشاره کرده است. در دنباله همان آیه سوره نحل می فرماید: «ولا تكونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوة انکاثا». اول غزل می کرد و می رشت، بعداً رشته ها را پنبه می کرد. بنابراین، در این آیه می فرماید که کارتان را هدر ندهید، مثل آن زنی نباشد که رشته را پنبه می کرد: «تتخذون ایمانکم دغلاً بینکم ان تكون افة می اری من افة». و تمام تلاشتان این باشد که سوگندها را ابزار درآمد قرار دهید و هدفتان این باشد که جامعه ای از جامعه دیگر برجسته تر (و مثلاً سرمایه دارتر) باشید. پس این نقض عهد و نقض میثاق، پس از بستن، جزء سیره های عملی کفار و منافقین خواهد بود.

### موارد قطع ما امر الله

کار دیگری که پیمان شکنان می کنند، این است که آنچه خداوند امر به وصلش کرده، قطع می نمایند. چنین انسانی که پیمان خدا را می شکند و فساد در زمین روا می دارد، در سه مورد از مواردی که خداوند امر به وصل کرده، قطع می کند:

- ۱- در درون محیط خانوادگی، می کوشد روابط خانوادگی را قطع کند، در حالی که خداوند امر به صلوة رحم کرده است.
- ۲- انسان موظف است در جامعه ای که زندگی می کند، از آن جامعه فاصله نگیرد و همگام با جامعه حرکت کند و روابط خود را با آن حفظ کند، و چنین شخصی آن روابط را بهم می زند و قطع می کند.
- ۳- انسان وظیفه دارد از امت واحد اسلامی فاصله نگیرد و چنین

شخصی، امت واحد را می خواهد بهم بزند و در میان آنان اختلاف ایجاد کند. و نمونه ای از آن قطع رابطه با امت اسلامی، شرکت نکردن در نماز جماعت و نماز جمعه و حضور با مسلمانان در روز حج اکبر است.

بنابراین، وقتی سخن از صلوة رحم است، منحصر نمی شود به یک خانواده چرا که تمام مؤمنین در حکم، یک خانواده اند «انما المؤمنون اخوة» و در تمام موارد صلوة رحم می طلبید. لذا وقتی مرحوم کلینی رضوان الله علیه در باب «قطیعة الرحم» روایاتی را نقل می کند، چند روایت را ذکر می نماید که از آنها چنین استفاده می شود که اصل اختلاف بد است، نه اینکه تنها انسان نباید با اعضای خانواده خویش اختلاف نداشته باشد.

روایتی را امام صادق علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نقل می کند که فرموده: «اتاکم والتباغض فانها الحالقة ولا اعني حالقة الشعر ولكن حالقة الدین»<sup>۶</sup>. از بغض و دشمنی پیرهمیزد، برای اینکه دشمنی، بنیاد برافکن است و «حالقه» می باشد، و مقصود از حالقه، چیزی نیست که موی سر را می تراشد بلکه دینتان را می تراشد (و چیزی برایتان نمی گذارد).

همین مضمون را حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «ولا تباغضوا فانها الحالقة»<sup>۷</sup>. دشمنی و اختلاف با هم تکمیل، که این اختلاف، دین را از بین می برد. یعنی اینچنین نیست که اختلاف میان امت واحد اسلامی، در حد ضرر مالی خلاصه شود بلکه هوای نفس، تمام شالوده امت اسلامی را از هم می پاشد و چیزی برای این مردم باقی نمی گذارد. پس اگر کسی کاری کرد که این امت واحد، قطعه قطعه شود مشمول این روایت می شود. خداوند می فرماید: «ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاعبدون، و تقطعوا امرهم بینهم کل البینا راجعون»<sup>۸</sup>. این امت شعبا، امت واحد است و من پروردگارتان هستم، پس مرا عبادت کنید. ولی آنها هریک به امری پیوستند (و امر خود را که وحدت بود، قطع نمودند) و بهر حال به سوی ما باز می گردند (و ما کیفر این تقطیع را آنجا خواهیم داد).

و در جای دیگر می فرماید: «وان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاتقون، فتنقطعوا امرهم بینهم، زُتراً کل حزب بما لديهم فرحون»، اینها برای خود ملل و نحلی تهیه کرده اند و هر کدام به یک امر پیوستند و به آن خوشحال شدند و خود را سعادتمند می دانند، در حالی که سخن از پرستش خدا و تقوای الهی و ترک هر چه غیر خدا است می باشد پس این هم تقطیع ما امر الله به آن یوصل است.

اگر حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «الزموا السواد الاعظم فإن ید الله مع الجماعة»<sup>۹</sup>، منظور از سواد اعظم، همین



اقت اسلامی است، زیرا در ذیل روایت می فرماید دست خدا با جماعت است یعنی با امت اسلامی است.

### کیفر قطع

در مقام دوم که بحث از کیفر است می فرماید: «اولئك لهم اللعنة ولهم سوء الدار»- نفرین خدا بر آنان باد و منزلگاهی بد در انتظارشان است. این هشدار است به رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم که با کفار عهد و پیمان نسپارید برای اینکه هر سال که با آنها تعهدی می سپارید، خیانت می کنند و به عهدشان وفادار نیستند.

در سوره مبارکه انفال می فرماید که اعتباری به تعهد اینان نیست زیرا امسال تعهد می سپارند و سال بعد نقض می کنند. امسال آتش بس می دهند و سال بعد نقض می کنند. امروز داعیه وحدت و یگانگی دارند، فردا نقض می کنند. «یتقضون عهدهم فی کل مرة»<sup>۱۱</sup>.

کسی که به مبدای معتقد نیست و دنیا را آخرین منزلگاه خویش می داند، اعتباری به تعهد و پیمانش نمی باشد، پس اگر هم پیمان ببندد، فوراً آن را نقض کرده و می شکنند. امام سجاد علیه السلام به پسرش وصیت می کند، می فرماید: «إتاک و مصاحبة القاطع لرحمة، فإنی وجدته ملعوناً فی کتاب الله»<sup>۱۲</sup>- زنهار از دوستی با کسی که رحامت را رعایت نمی کند، زیرا من دیدم که خدای سبحان او را در قرآن لعن و نفرین کرده است. و اگر قطع رحم در محدوده خانواده، باعث لعن الهی بشود قطعاً رحم بمعنای وسیع و گسترده اش که امت اسلامی را شامل می شود، قطع آن به تحقیق باعث لعن و نفرین حق تعالی است. گاهی ممکن است انسان، حقوق بستگان نزدیک خود را مراعات نکند، یک حد از لعنت، دامنگیرش می شود ولی وقتی امت اسلامی را به اختلاف و دودستگی بکشاند، لعنت سنگین تری دامنگیرش می شود.

و لغتی که در دنیا دامنگیرشان می شود، به این معنا است که از رحمت خاصه خدا محروم می شوند. در سوره مبارکه «محمد» صلی الله علیه وآله می فرماید: «اولئك الذین لعنهم الله»- آنان را خداوند لعن کرده است. لعن به چه معنا است؟ «فأصمهم وأعمى أبصارهم»<sup>۱۳</sup>- آنان را کور و کور کرده است که همه حرفهای عالم را می شنوند جز سخن وحی را، و همه چیزها را می بینند جز دین حق را، یعنی انسانی که توفیق نداشته باشد که کتابهای دینی را مطالعه کند و سخنان دین را بشنود، معلوم می شود کور است انسان اگر توفیق نداشته باشد که از چنان دید و بصیرتی برخوردار باشد که اسرار عالم را ببیند، معلوم می شود کور است. پس اگر کسی در خود احساس کرد که گوشش به حق بدهکار نیست، بداند که ملعون و نفرین شده است و اگر کسی در خود احساس کرد که چشمش حق را نمی بیند، بداند که ملعون است.

ادامه دارد

- ۱- سوره بس- آیه ۶۰.
- ۲- سوره اعراف- آیه ۱۷۲.
- ۳- سوره نحل- آیه ۹۱.
- ۴- سوره یونس- آیه ۲۲.
- ۵- روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام است. نهج البلاغه. خطبه ۲۲۶، بحار الاتواء ج ۲۳- ص ۸۲.
- ۶- سوره آل عمران- آیه ۱۰۳.
- ۷- کافی- ج ۲- ص ۳۴۶.
- ۸- نهج البلاغه- خطبه ۸۶.
- ۹- سوره انبیاء- آیه ۹۲ و ۹۳.
- ۱۰- نهج البلاغه- خطبه ۱۲۷.
- ۱۱- سوره انفال- آیه ۵۲.
- ۱۲- تحف العقول- ص ۲۰۲.
- ۱۳- سوره محمد- آیه ۲۲.

## کسی را تحقیر نکنید

پیامبر گرامی اسلام «ص»:

«لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ».

(مجموعه ورام- ج ۱ ص ۳۱)

هیچیک از مسلمین را تحقیر نکنید و کوچک نشمارید زیرا مسلمانی که در نظر شما کوچک است نزد خداوند بزرگ است.